

□ پيام

زمان: ۶ مرداد ۱۳۶۶ / ۱ ذی الحجه ۱۴۰۷

مکان: تهران، جماران

موضوع: براءت از مشرکان و تبیین وظایف مسلمین و مشکلات جهان اسلام

مخاطب: مسلمین ایران و جهان و زائران بیت الله الحرام

مناسبت: برگزاری مناسک عظیم حج

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ﴾^۱

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى آيَاتِهِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَائِهِ سَيِّمًا خَاتَمِهِمْ وَأَفْضَلِهِمْ وَعَلَى أَوْلِيَائِهِ وَخَاصَّةِ عِبَادِهِ سَيِّمًا خَاتَمِهِمْ وَقَائِمِهِمْ أَرْوَاحُ الْعَالَمِينَ لِمَقْدَمِهِ الْفِدَاءِ﴾
قلمها و زبانها و گفتارها و نوشتارها عاجز است از شکر نعمتهای بی پایانی که نصیب عالمیان شده و می شود. خالقى که با جلوه سراسر نورانى خود، عوالم غیب و شهادت و سرّ و علن را به نعمت وجود آراسته و به برکت برگزیدگانش به ما رسانده که؛ ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾^۲ و با ظهور جمیلش پرده از جمالش برافکنده که؛ ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ﴾^۳ و به کتب مقدس آسمانى اش که از حضرت غیب بر انبیائش از صفی الله تا خلیل الله و از خلیل الله تا حبیب الله - صلوات الله و سلامه علیهم و سلم - نازل فرموده، راه وصول به کمالات و فنای در کمال مطلق را تعلیم فرموده و سلوک الی الله را

۱. بخشی از آیه ۱۰۰ سوره نساء: «و هرکس از خانه خویش خارج شود و در حال هجرت به سوی خدا و پیامبر او، مرگش فرارسد، هرآینه پاداشش بر خداست».

۲. بخشی از آیه ۳۵ سوره نور: «خداوند نور آسمانها و زمین است».

۳. سوره حدید، آیه ۳.

گوشزد کرده چون کریمه ﴿وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ﴾ و طریق برخورد با مؤمنین و دوستان خود و ملحدین و مستکبرین و دشمنان خویش را آموخته: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾^۱ و هزاران شکر که ما را از امت خاتم النبیین محمد مصطفی ﷺ قرار داد، افضل و اشرف موجودات و از پیروان قرآن مجید، اعظم و اشرف کتب مقدسه و صورت کتبی حضرت غیب مستجمع جمیع کمالات به صورت وحدت جمیع و ضمانت حفظ و صیانت آن را از دستبرد شیاطین انس و جن فرموده: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾^۲ قرآنی که نه یک حرف بر آن افزوده شده و نه یک حرف کاسته. کتاب کریمی که ما را از برخورد انیای معظم الهی با مستکبرین جهان و جهانخواران طول تاریخ آگاه نموده و از طریقه حضرت خاتم الرسل ﷺ با مشرکان و زورگویان و کفار و در رأس آنان منافقان، مطلع کرده و این برخورد، جاویدان و برای هر عصری و هر مصری^۳ است.

در این کتاب جاوید می بینیم که فرموده: ﴿قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾^۴ خطاب به مصلحت اندیشان و سازشکاران و متأسفان برای شهادت جوانان و از دست رفتن مالها و جانها و خسارتهای دیگر وارد شده و جالب آنکه بعد از حبّ خدای تعالی و رسول اکرم ﷺ در بین تمام احکام الهی، جهاد فی سبیل الله را ذکر فرموده و تنبه داده که جهاد فی سبیل الله در رأس تمام احکام است که آن حافظ

۱. بخشی از آیه ۲۹ سوره فتح: «محمد فرستاده خداست و یاران و همراهانش بر کافران بسیار سختگیر، و با یکدیگر بسیار مهربانند».

۲. سوره حجر، آیه ۹: «البته ما قرآن را بر تو نازل کردیم و ما هم محققاً آن را محفوظ خواهیم داشت».

۳. شهر، ناحیه.

۴. سوره توبه، آیه ۲۴: «بگو اگر شما پدران و پسران و برادران و زنان و خویشان خود را و اموالی که جمع آورده اید و کالا و مال التجاره که از کسادی آن بیمناکید، و مسکنهایی که بدان دل خوش کرده اید، بیش از خدا و رسول او و جهاد در راه او دوست می دارید، پس منتظر باشید تا امر نافذ (و قضای حتمی) خدا جاری گردد؛ و خداوند بدکاران را هدایت نخواهد کرد».

اصول است و تذکر داده که در صورت قعود از جهاد، منتظر عواقب آن باشید، از ذلت و اسارت و بر باد رفتن ارزشهای اسلامی و انسانی و نیز از همان چیزها که خوف آن را داشتید از قتل عام صغیر و کبیر و اسارت ازواج و عشیره. و بدیهی است که همه اینها پیامد ترک جهاد، خصوصاً جهاد دفاعی است که ما اکنون گرفتار آن هستیم و اشاره به این امر است آیه کریمه ﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾^۱ و کدام فتنه و بلیه بالاتر از آنچه دشمنان اسلام، خصوصاً در این زمان برای برچیدن اساس اسلام و برپا کردن حکومتهایی مثل ستمشاهی و برگرداندن مستشاران غارتگر و بر باد رفتن حرث و نسل ملت و بر سرکشور و ملت ایران، آن آید که بر سر کشور عراق و ملت مظلوم آن در این چند سال آمد.

و حمد و شکر بی پایان بر ذات مقدس ربوبیت که با تربیتهای معنوی خود ملت ایران را از غرقاب فساد ستمشاهی نجات بخشیده و راه و رسم زیستن مستقل در پناه بیرق شکوهمند اسلام را به آنان آموخت و امروز در جهان کشوری نیست جز ایران که از دخالت ابرقدرتها پیراسته باشد و سرنوشت خویش را خود بر اساس اسلام عزیز تعیین کند و دست به سینه اغیار زند و خداوند بر ما منت نهاد که در سایه این ملت زندگی می‌کنیم. و شکر بی پایان بر عنایات حق - جل و علا - که در آستان عزیمت حجاج محترم ایرانی به سوی معبد عشق و مرقد معشوق و هجرت به سوی خدای تعالی و رسول معظمش ﷺ ندای اسلام بر اقصا بلاد جهان طنین افکنده و بیرق معنوی اسلام در اقطار عالم به اهتزاز درآمده و چشمهای جهانیان به سوی کشور ولی الله اعظم - ارواحنا لمقدمه الفداء - دوخته شده و به رغم بدخواهان و منحرفان که کوس رسوایی شان بر سر بازارها زده شده و برخلاف خوابهای خرگوشی آنان که وعده سقوط جمهوری اسلامی را در سه ماه یا یک سال به خود و اربابان خود می‌دادند، امروز پس از سالها، کشور عزیز اسلامی ایران از همیشه پایدارتر و ملت عظیم آن سرافرازتر و قوای مسلحه آن پر قدرت تر و جوانان و سالمدان آن مصمم تر و حوزه‌های مقدس علمیه آن در سایه

۱. بخشی از آیه ۶۳ سوره نور: «کسانی که امر خدا را مخالفت می‌کنند باید بترسند از اینکه فتنه و یا عذابی دردناک آنان را در برگیرد».

مراجع معظم و علمای اعلام - کثر الله امثالهم - پرشورتر و پیوند حوزه‌ها و دانشگاه‌ها استوارتر و قوای سه گانه آن فعالتر و جهات سیاسی و فرهنگی و نظامی آن روبه رشدتر و دشمنان آن، که در حقیقت دشمنان اسلام و استقلال کشور هستند ضعیفتر و زیونتر و کاخهای مستکبران لرزانتر و رسوایی کاخ سیاه بر ملاتر و پریشان‌گویی و دلهره کاخ‌نشینان افزونتر و سردرگمی رسانه‌های گروهی جهان - که انعکاس سردرگمی کاخ‌نشینان زورگو است - واضحتر گردیده و لازم است در این جوّی که پیش آمده است، مسلمین و مستضعفان جهان آگاهانه از آن استفاده کرده و جمیع فرق مسلمین و مستضعفان دست در دست هم داده و خودشان را از قید اسارت ابرقدرت‌ها خارج نمایند. اینک تذکراتی را عرض می‌کنم:

۱- اعلان برائت از مشرکان که از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج است، باید در ایام حج به صورت تظاهرات و راهپیمایی با صلابت و شکوه هرچه بیشتر و بهتر برگزار شود و حجاج محترم ایرانی و غیرایرانی با هماهنگی کامل با مسئولین حج و نماینده اینجانب، جناب حجت الاسلام آقای کروی در کلیه مراسم شرکت نمایند و فریاد کوبنده برائت از مشرکان و ملحدان استکبار جهانی و در رأس آنان امریکای جنایتکار را در کنار خانه توحید طنین اندازند و از ابراز بغض و کینه خود نسبت به دشمنان خدا و خلق غافل نشوند. مگر تحقق دیانت جز اعلام محبت و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و برائت نسبت به باطل است؟ حاشا که خلوص عشق موحدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود و کدام خانه‌ای سزاوارتر از کعبه و خانه امن و طهارت و ناس که در آن به هر چه تجاوز و ستم و استثمار و بردگی و یا دون‌صفیتی و نامردمی است عملاً و قولاً پشت شود و در تجدید میثاق «**الَسْتُ بِرَبِّكُمْ**»^۱ بت آله‌ها و اربابان «**مُتَفَرِّقُونَ**»^۲ شکسته شود و خاطره مهمترین و بزرگترین حرکت سیاسی پیامبر ﷺ در «**وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ**»

۱. بخشی از آیه ۱۷۲ سوره اعراف، که خداوند (در عالم ذر) از فرزندان آدم سؤال کرد: «آیا من پروردگار شما نیستم؟».

۲. اشاره به آیه ۳۹ سوره یوسف.

إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ^۱ زنده بماند و تکرار شود، چرا که سنت پیامبر ﷺ و اعلان برائت کهنه‌شدنی نیست و نه تنها اعلان برائت به ایام و مراسم حج منحصر نشود، که باید مسلمانان فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا البریز کنند و به وسوسه خناسان و شبهات تردید آفرینان و متحجرین و منحرفین گوش فراندهند و لحظه‌ای از این آهنگ مقدس توحیدی و جهان‌شمولی اسلام، غفلت نکنند که مسلماً جهان‌خواران و دشمنان ملتها، بعد از این آرام و قرار نخواهند داشت و به حيله‌ها و تزویرها و چهره‌های گوناگون متمسک می‌شوند و روحانی‌نماها و آخوندهای درباری و اجیرشدگان سلاطین و ملیگراها و منافقین به فلسفه‌ها و تفسیرها و برداشتهای غلط و منحرف روی می‌آورند و برای خلع سلاحهای مسلمانان و ضربه‌زدن به صلابت و ابهت و اقتدار امت محمد ﷺ به هر کاری دست می‌زنند و چه بسا جاهلان مُتَنَسِّک^۲ بگویند که قداست خانه حق و کعبه معظمه را به شعار و تظاهرات و راهپیمایی و اعلان برائت نباید شکست و حج جای عبادت و ذکر است نه میدان صف آرایی و رزم و نیز چه بسا عالمان مُتَنَهِّک^۳ القا کنند که مبارزه و برائت و جنگ و ستیز، کار دنیاداران و دنیا طلبان بوده است و ورود در مسائل سیاسی، آن هم در ایام حج دون شأن روحانیون و علما می‌باشد. که خود این القائات نیز از سیاست مخفی و تحریکات جهان‌خواران به شمار می‌رود که مسلمانان باید با همه امکانات و وسایل لازم به مقابله جدی و دفاع از ارزشهای الهی و منافع مسلمین برخیزند و صفوف مبارزه و دفاع مقدس خویش را محکم و مستحکم نمایند و به این بیخبران و دلمردگان و پیروان شیاطین بیش از این مجال حمله رابه صفوف عقیده و عزت مسلمانان ندهند و از همه جا و همه سرزمینها و خصوصاً از کعبه حق به جنود خدا متصل شوند و زائران عزیز، از بهترین و مقدسترین سرزمینهای عشق و شعور و جهاد به کعبه بالاتری رهسپار شوند و

۱. بخشی از آیه ۳ سوره توبه: «اعلانی است از خدا و رسولش به مردم در روز حج اکبر».

۲. جاهلان زاهد.

۳. عالمان پرده در (رسوا و بیحیا).

همچون سید و سالار شهیدان حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام از احرام حج به احرام حرب و از طواف کعبه و حرم به طواف صاحب بیت و از تَوَضُّوء زمزم به غسل شهادت و خون رو آورند و به امتی شکست ناپذیر و بنیانی مرصوص مبدل گردند که نه ابر قدرت شرق یارای مقابله آنان را داشته باشد نه غرب که مسلماً روح و پیام حج چیز دیگری غیر از این نخواهد بود که مسلمانان، هم دستور العمل جهاد با نفس را بگیرند و هم برنامه مبارزه با کفر و شرک را.

به هر حال اعلان برائت در حج، تجدید میثاق مبارزه و تمرین تشکل مجاهدان برای ادامه نبرد با کفر و شرک و بت پرستها است و به شعار هم خلاصه نمی شود که سرآغاز علنی ساختن منشور مبارزه و سازماندهی جنود خدای تعالی در برابر جنود ابلیس و ابلیس صفتان است و از اصول اولیه توحید به شمار می رود و اگر مسلمانان در خانه ناس و خانه خدا از دشمنان خدا اظهار برائت نکنند، پس در کجا می توانند اظهار نمایند؟ و اگر حرم و کعبه و مسجد و محراب، سنگر و پشتیبان سربازان خدا و مدافعان حرم و حرمت انبیا نیست، پس مأمن و پناهگاه آنان در کجاست؟

خلاصه، اعلان برائت مرحله اول مبارزه و ادامه آن مراحل دیگر وظیفه ما است و در هر عصر و زمانی جلوه ها و شیوه ها و برنامه های متناسب خود را می طلبد و باید دید که در عصری همانند امروز که سران کفر و شرک همه موجودیت توحید را به خطر انداخته اند و تمامی مظاهر ملی و فرهنگی و دینی و سیاسی ملت ها را بازیچه هوسها و شهوتها نموده اند چه باید کرد. آیا باید در خانه ها نشست و با تحلیلهای غلط و اهانت به مقام و منزلت انسانها و القای روحیه ناتوانی و عجز در مسلمانان، عملاً شیطان و شیطان زادگان را تحمل کرد و جامعه را از وصول به خلوص که غایت کمال و نهایت آمال است، منع کرد و تصور نمود که مبارزه انبیا با بت و بت پرستها منحصر به سنگ و چوبهای بیجان بوده است و نعوذ بالله پیامبرانی همچون ابراهیم در شکستن بتها پیشقدم و اما در مصاف با ستمگران، صحنه مبارزه را ترک کرده اند؟ و حال آنکه تمام بت شکنیها و مبارزات و جنگهای حضرت ابراهیم با نمرودیان و ماه و خورشید و ستاره پرستان مقدمه

یک هجرت بزرگ و همه آن هجرتها و تحمل سختیها و سکونت در وادی غیر ذی زرع و ساختن بیت وفدیه اسماعیل، مقدمه بعثت و رسالتی است که در آن، ختم پیام آوران، سخن اولین و آخرین بانیان و مؤسسان کعبه را تکرار می کند و رسالت ابدی خود را با کلام ابدی ﴿إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ﴾^۱ ابلاغ می نماید که اگر غیر از این تحلیل و تفسیری ارائه دهیم، اصلاً در زمان معاصر، بت و بت پرستی وجود ندارد و راستی کدام انسان عاقلی است که بت پرستی جدید و مدرن را در شکلهای و افسونها و ترفندهای ویژه خود نشناخته باشد و از سلطه ای که بتخانه های چون کاخ سیاه بر ممالک اسلامی و خون و ناموس مسلمین و جهان سوم پیدا کرده اند، خبر نداشته باشد.

امروز فریاد برائت ما از مشرکان و کافران، فریاد از ستم ستمگران و فریاد امتی است که جانشان از تجاوزات شرق و غرب و در رأس آنان امریکا و اذتاب آن به لب رسیده است و خانه و وطن و سرمایه اش به غارت رفته است. فریاد برائت ما، فریاد ملت مظلوم و ستم - دیده - کشیده افغانستان است و من متأسفم که شوروی به تذکر و هشدار من در مورد افغانستان عمل ننمود و به این کشور اسلامی حمله کرد. بارها گفته ام و اکنون نیز تذکر می دهم که ملت افغانستان را به حال خود رها کنید، مردم افغانستان سرنوشت خودشان را تعیین نموده و استقلال واقعی خود را تضمین می کنند و به ولایت کرملین یا قیمومت امریکا احتیاجی ندارند و مسلم بعد از خروج نظامیان بیگانه از کشورشان، به سلطه دیگری گردن نمی نهند و پای امریکا را اگر قصد دخالت و تجاوز در کشورشان کرده باشد، می شکنند.

و نیز فریاد برائت ما فریاد مردم مسلمان افریقا است، فریاد برادران و خواهران دینی ما که به جرم سیاه بودن، تازیانه ستم سیه روزان بی فرهنگ نژادپرست را می خورند. فریاد برائت ما، فریاد برائت مردم لبنان و فلسطین و همه ملتها و کشورهای دیگری است که ابرقدرتهای شرق و غرب، خصوصاً امریکا و اسرائیل به آنان چشم طمع دوخته اند و سرمایه آنان را به غارت برده اند و نوکران و سرسپردگان خود را به آنان تحمیل نموده اند و

۱. بخشی از آیه ۱۹ سوره انعام: «و من از آنچه شما شرک می ورزید، بیزارم».

از فواصل هزاران کیلومتر راه به سرزمینهای آنان چنگ انداخته و مرزهای آبی و خاکی کشورشان را اشغال کرده‌اند.

فریاد برائت ما، فریاد برائت همه مردمانی است که دیگر تحمل تفرعن امریکا و حضور سلطه طلبانه آن را از دست داده‌اند و نمی‌خواهند صدای خشم و نفرتشان برای ابد در گلوهایشان خاموش و افسرده بماند و اراده کرده‌اند که آزاد زندگی کنند و آزاد بمیرند و فریادگر نسلها باشند.

فریاد برائت ما، فریاد دفاع از مکتب و حیثیات و نوامیس، فریاد دفاع از منابع و ثروتها و سرمایه‌ها، فریاد دردمندانه ملت‌هایی است که خنجر کفر و نفاق قلب آنان را دریده است.

فریاد برائت ما، فریاد فقر و تهیدستی گرسنگان و محرومان و پابرنه‌هایی است که حاصل عرق جبین و زحمات شبانه‌روزی آنان را، زران‌دوزان و دزدان بین‌المللی به یغما برده‌اند و حریصانه از خون دل ملت‌های فقیر و کشاورزان و کارگران و زحمتکشان، به اسم سرمایه‌داری و سوسیالیسم و کمونیسم مکیده و شریان حیات اقتصاد جهان را به خود پیوند داده‌اند و مردم جهان را از رسیدن به کمترین حقوق حقه خود محروم نموده‌اند.

فریاد برائت ما، فریاد امتی است که همه کفر و استکبار به مرگ او در کمین نشسته‌اند و همه تیرها و کمانها و نیزه‌ها به طرف قرآن و عترت عظیم نشانه رفته‌اند و هیئات که امت محمد ﷺ و سیراب شدگان کوثر عاشورا و منتظران وراثت صالحان به مرگ ذلت بار و به اسارت غرب و شرق تن در دهند و هیئات که خمینی، در برابر تجاوز دیوسیرتان و مشرکان و کافران به حریم قرآن کریم و عترت رسول خدا و امت محمد ﷺ و پیروان ابراهیم حنیف ساکت و آرام بماند و یا نظاره گر صحنه‌های ذلت و حقارت مسلمانان باشد. من خون و جان ناقابل خویش را برای ادای واجب حق و فریضه دفاع از مسلمانان آماده نموده‌ام و در انتظار فوز عظیم شهادتم.

قدرتها و ابرقدرتها و نوکران آنان مطمئن باشند که اگر خمینی یکه و تنها هم بماند به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت پرستی است ادامه می‌دهد و به یاری خدا در کنار بسیجیان جهان اسلام، این پابرنه‌های مغضوب دیکتاتورها، خواب راحت

را از دیدگان جهانخواران و سرسپردگانی که به ستم و ظلم خویشتن اصرار می نمایند سلب خواهد کرد. آری، شعار «نه شرقی و نه غربی» ما، شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین بوده و ترسیم کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی و کشورهایی است که در آینده نزدیک و به یاری خدا اسلام را به عنوان تنها مکتب نجاتبخش بشریت می پذیرند و ذره ای هم از این سیاست عدول نخواهد شد و کشورهای اسلامی و مردم مسلمان جهان نباید وابسته به غرب و اروپا و امریکا و نه وابسته به شرق، شوروی، که ان شاء الله تعالی به خدا و رسول خدا و امام زمان وابسته است و به طور قطع و یقین، پشت کردن به این سیاست بین المللی اسلام، پشت کردن به آرمان مکتب اسلام و خیانت به رسول خدا ﷺ و ائمه هدی علیهم السلام است و نهایتاً مرگ کشور و ملت ما و تمامی کشورهای اسلامی است و کسی گمان نکند که این شعار، شعار مقطعی است که این سیاست، ملاک عمل ابدی مردم ما و جمهوری اسلامی ما و همه مسلمانان سرتاسر عالم است. چرا که شرط ورود به صراط نعمت، حق برائت و دوری از صراط گمراهان است که در همه سطوح و جوامع اسلامی باید پیاده شود. مسلمانان بعد از شرکت در راهپیماییهای برائت و اعلان همبستگی با ملت دلاور ایران، باید به فکر رمی استعمار از کشورها و سرزمینهای اسلامی خود باشند و برای بیرون راندن جنود ابلیس و برچیدن پایگاههای نظامی شرق و غرب از کشورهای خود تلاش نمایند و نگذارند دنیاخواران از امکانات آنان، در جهت منافع خود و ضربه زدن به کشورهای اسلامی استفاده کنند که این بزرگترین ننگ و عار کشور و سران ممالک اسلامی است که بیگانگان به مراکز سری و نظامی مسلمانان راه پیدا کنند. مسلمانان از هیاهو و طبلهای توخالی و تبلیغات ظالمانه نهراسند که کاخها و قدرتهای نظامی و سیاسی استکبار جهان، همانند لانه عنکبوت سست و در حال فرو ریختنند. مسلمانان جهان باید به فکر تربیت و کنترل و اصلاح سران خود فروخته بعضی کشورها باشند و آنان را با نصیحت یا تهدید از این خواب گرانی که هم خودشان و هم منافع ملتهای اسلامی را به باد فنا می دهد، بیدار نمایند و به این منافقین و

شکست اسلام و غارت سرمایه‌ها و منابع و نوامیس مسلمین نباشند.

ملتهای مسلمان باید به فکر نجات فلسطین باشند و مراتب انزجار و تنفر خویش را از سازشکاری و مصالحه رهبران ننگین و خودفروخته‌ای که به نام فلسطین، آرمان مردم سرزمینهای غصب شده و مسلمانان این خطه را به تباهی کشیده‌اند به دنیا اعلام و نگذارند این خائن بر سر میز مذاکره‌ها و رفت‌وآمدها، حیثیت و اعتبار و شرافت ملت قهرمان فلسطین [را] خدشه‌دار کنند، که این انقلابی‌نماهای کم‌شخصیت و خودفروخته به اسم آزادی قدس به امریکا و اسرائیل متوسل شده‌اند. عجبا که هر روز از فاجعه خونبار غصب فلسطین بیشتر می‌گذرد، سکوت و سازش سران کشورهای اسلامی و طرح مماشات با اسرائیل غاصب بیشتر و حتی از تبلیغ و شعار رهایی بیت‌المقدس هم خبری به گوش نمی‌رسد و اگر دولت و مردم کشوری همانند ایران که خود نیز در حالت دفع تجاوز و جنگ و محاصره است، به پشتیبانی از مردم فلسطین برخاسته و فریاد می‌زند، او را محکوم می‌کنند و حتی از اینکه یک روز هم به نام قدس برگزار شود، وحشت نموده‌اند. نکند که اینان تصور کرده‌اند که گذشت زمان، سیرت و صورت جنایتهای اسرائیل و صهیونیزم را دیگرگون ساخته است و گرگهای خون آشام صهیونیزم، از فکر تجاوز و غصب سرزمینهای از نیل تا فرات دست برداشته‌اند. مسئولین محترم کشور ایران و مردم ما و ملتهای اسلامی از مبارزه با این شجره خبیثه و ریشه کن کردن آن، دست نخواهند کشید و به یاری خداوند تعالی از قطرات پراکنده پیروان اسلام و توان معنوی امت محمد ﷺ و امکانات کشورهای اسلامی باید استفاده کرد و با تشکیل هسته‌های مقاومت حزب الله در سراسر جهان اسرائیل را از گذشته جنایت بار خود پشیمان و سرزمینهای غصب شده مسلمانان را از چنگال آنان خارج کرد. من همان گونه که بارها و در سالهای گذشته قبل و بعد از انقلاب هشدار داده‌ام، مجدداً خطر فراگیری غده چرکین و سرطانی صهیونیزم را در کالبد کشورهای اسلامی گوشزد می‌کنم و حمایت بیدریغ خود و ملت و دولت و مسئولین ایران را از تمامی مبارزات اسلامی ملتها و جوانان غیور و مسلمان در راه آزادی قدس، اعلام می‌نمایم و از جوانان عزیز لبنان که موجب سرافرازی امت اسلام در خواری و ذلت جهانخواران گردیده‌اند، تشکر می‌کنم و برای موفقیت همه عزیزانی

که در داخل سرزمینهای اشغالی و یا در کنار این کشور غضب شده، با تکیه به سلاح ایمان و جهاد به اسرائیل و منافع آن ضربه می‌زنند دعا می‌کنم و اطمینان می‌دهم که ملت ایران، شما را تنها نخواهد گذاشت. به خدای تعالی توکل کنید و از قدرت معنوی مسلمانان بهره‌جوید و با سلاح تقوا و جهاد و صبر و مقاومت بر دشمنان حمله برید که ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبِثْ أَقْدَامَكُمْ﴾^۱.

۲- از آنجا که جنگ در رأس امور و برنامه‌های کشور ماست، جهان‌خواران در آستانه پیروزی قاطع ملت ایران بر نظام پوسیده و روبه زوال عفلقیان، تلاش گسترده‌ای را در جهت مشوه ساختن افکار عمومی جهانیان به کار گرفته‌اند تا بعد از آنهمه تجاوزات و جنایات صدامیان و سکوت مجامع بین‌المللی، ما را جنگ طلب معرفی نمایند. و چه بسا با این حربه جدید، افراد ناآگاهی را تحت تأثیر قرار داده باشند. لازم است برای روشن شدن افکار عمومی ملتهای دریند و خصوصاً زائران محترم نکاتی را یادآور شوم.

دنیای از آغاز جنگ تا کنون و در تمام مراحل دفاعی ما، هیچ‌گاه با زبان عدالت و بیطرفی با ما سخن نگفته است. آن‌روزی که صدام و حزب بعث از روی غرور و بیخردی به منظور ساقط نمودن نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران به کشور عزیزمان ایران حمله نمود و قراردادهای بین‌المللی را پاره کرد و شخصاً تجاوزات هوایی و دریایی و زمینی ارتش را رهبری می‌نمود و نه تنها خانه‌های یک شهر و روستا، که مراکز دهها شهر و صدها روستا را با خاک یکسان می‌کرد و کودکان معصوم ملت ما را در آغوش مادرانشان به شهادت می‌رساند و تجاوزات و وحشیگریها را تا آنجا ادامه داد که قلم از نوشتن و زبان از بیان آنان شرم می‌کند و نیز در آن‌روزی که صدام اولین جرقه و شعله‌های آتش جنگ را در خرمن امنیت همه کشورهای اسلامی و خلیج فارس برافروخت، هیچ‌کس از این مدعیان صلح، جلوی آتش‌افروزی او را نگرفته و از امکانات و اهرمهای فشار و قراردادهای خود در جهت کنترل و مهار او بهره‌ن جست و به دفاع از ملت مظلوم و ستمدیده ایران و عراق برخاست و به صدام، این آغازکننده جنگ، نگفت که به کدام

۱. بخشی از آیه ۷ سوره محمد ﷺ: «اگر خداوند را یاری کنید، شما را یاری کرده و گم‌هایتان را استوار خواهد ساخت».

گناه و به چه جرمی ملت ایران باید کشته شوند! و به کدام گناه میلیون‌ها زن و مرد و پیر و جوان آواره شوند و یا خانه و کاشانه‌شان ویران گردد! و به کدام جرم و گناه حاصل زحمات ده‌ها ساله تلاش و سرمایه‌گذاری یک ملت در صنایع و کارخانجات و مزارع و کشتزارها سوخته و بر باد برود! آیا جرم ما، ایرانی بودن ما است، جرم ما فارسی بودن ما است، جرم ما اختلافات و تنازعات گذشته مرزی ما است؟ خیر، چنین نیست. امروز همه می‌دانند جرم واقعی ما از دید جهان‌خواران و متجاوزان، دفاع از اسلام و رسمیت دادن به حکومت جمهوری اسلامی به جای نظام طاغوت ستمشاهی است، جرم و گناه ما احیای سنت پیامبر ﷺ و عمل به دستورات قرآن کریم و اعلان وحدت مسلمانان اعم از شیعه و سنی، برای مقابله با توطئه کفر جهانی و پشتیبانی از ملت محروم فلسطین و افغانستان و لبنان و بستن سفارت اسرائیل در ایران و اعلام جنگ با این غده سرطانی و صهیونیسم جهانی و مبارزه با نژادپرستی و دفاع از مردم محروم آفریقا و لغو قراردادهای بردگی رژیم کثیف پهلوی با امریکای جهان‌خوار بوده است. و نزد جهان‌خواران و نوکران بی‌اراده آنان چه گناهی بالاتر از اینکه کسی از اسلام و حاکمیت آن سخن بگوید و مسلمانان را به عزت و استقلال و ایستادگی در مقابل ستم متجاوزان دعوت کند.

ما به این نکته نه فقط در جنگ تحمیلی، که از روز نخست شروع مبارزه و از ۱۵ خرداد تا بیست و دوم بهمن رسیده‌ایم و به خوبی دریافته‌ایم که برای هدف بزرگ و آرمانی اسلامی، الهی باید بهای سنگینی پرداخت نماییم و شهدای گرانقدری را تقدیم کنیم و جهان‌خواران ما را راحت و آرام نخوانند گذاشت و با استفاده از ایادی داخلی و خارجی‌شان به ما شیخون زده و خون عزیزان ما را بر بستر کوچه‌ها و خیابانها و مرزهایمان جاری می‌کنند و همین‌گونه شد وقتی که فریاد اسلام‌خواهی مردم کشور ما در ۱۵ خرداد به گوش امریکا رسید و وقتی که برای اولین بار غرور امریکا و اقتدار و ابرقدرتی او در اعتراض به مصونیت کارگزارانش در ایران شکسته شد و امریکا متوجه اقتدار و رهبری علما و روحانیت اسلام و عزم جزم و اراده پولادین ملت ایران برای کسب آزادی و استقلال و رسیدن به نظام عدل اسلامی گردید، به نوکر بی‌اراده و وطن‌فروش و فرومایه خود، محمدرضاخان دستور داد که صدای اسلام‌خواهی ملت ما

را خاموش کند و از او پیمان گرفت تا همه افرادی که در برابر امریکا قد علم کرده‌اند را نابود کند و همه دیدیم که این خائنان و سرسپردگان در این مأموریت شوم لحظه‌ای درنگ ننمودند و به نام مأموریت و آزادی و رسیدن به دروازه تمدن بزرگ، از کشته‌های این ملت پشته‌ها ساختند و در دیوار کشور ما را از فیضیه گرفته تا دانشگاه و از دانشگاه تا کوچه و بازار و خیابان و از خیابان تا مسجد و محراب به خون عزیزان و جوانان تکبیر گوی پیرو خدا و رسول خدا ﷺ را رنگین کردند و در شرایطی که جلادان رژیم ستمشاهی پروبال و برگ و شاخه شجره طیبه آزادی را می‌شکستند، همه جهان‌خواران در یک اقدام هماهنگ تبلیغاتی و بین‌المللی شاه را متمدن و مترقی، و آزادی‌طلبان و مسلمانان را مرتجع و خواسته‌های اسلامی آنان را ارتجاع سیاه معرفی کردند و در ادامه همان سیاست سرکوب بود که در کربلای خون‌رنگ ایران جنایات یزیدیان را ده‌ها بار در عاشوراها و تاسوعاها تکرار نمودند و مملکت ما را به جزیره آرام و ثبات امریکا و به قبرستان و خرابه این ملت مبدل ساختند که من در روز ورود به کشور عزیز ایران در بهشت زهرا گفتم که شاه مملکت ما را ویران و قبرستانهای آن را آباد نمود و الآن نیز همان سخن را تکرار می‌کنم که شاه کشور ما را ویران و قبرستانها را آباد کرد ولی شاه که بود و به دستور چه کسی عمل می‌کرد؟ که اگر او به تنهایی و به فکر فاسد و تنبهار خود عمل می‌کرد چه بسا قضایا بعد از رفتن او خاتمه می‌یافت. ولی چه کسی است که نداند شاه نوکر و مأمور امریکا و تمامی شهیدان و عزیزان ما، خونبها و قربانیانی بودند که به خاطر آزادی از آنان گرفته شد و کار او مأموریتی بوده است که برای اربابان خود به انجام رسانید و تا توانست انتقام امریکا را از اسلام و مسلمین گرفت ولی کارگزار اصلی ماجرا یعنی خود امریکا در پشت صحنه باقی مانده بود، امریکایی که از اسلام راستین می‌ترسید و از قیام منتهی به حکومت عدل و اهماه داشت.

امریکا به تصور اینکه ملیگراها و منافقین و دیگر وابستگان چپ و راست او بزودی پاشنه سیاست انقلاب و حاکمیت نظام و اداره کشور را به نفع او به حرکت درمی‌آورند چند روزی سیاست خوف و رجا را در پیش گرفت و به طرح و اجرای کودتا و اعمال سیاست فشار و ترویج چهره‌های وابسته خود و نیز به ترور شخصیت انقلاب و انقلابیون

واقعی کشور پرداخت که خداوند مجدداً بر ما منت نهاد و در صحنه حماسی تسخیر لانه جاسوسان، مردم ایران برائت مجدد خویش را از امریکا و اذتاب آن اعلام نمودند، که دوباره امریکا همان تیغی که به دست محمدرضا سپرده بود در کف صدام این زنگی مست نهاد. صدام چه کرد؟ آیا صدام همان کاری را که شاه قبل از انقلاب انجام داده بود انجام نداد؟ شاه قبرستانهای ما را از سروهای بلند آزادی پرنساخت؟ آیا صدام که از قدرت برتر و مانور بیشتری برخوردار بود غیر از این کرد؟ آیا شاه کشورمان را به امریکا فروخته بود؟ آیا صدام برای فروختن ایران به امریکا به صورت دیگری عمل نکرد؟ گفتم که خرابیهای شاه را اگر مهلتان دهند با تلاش همه دست اندرکاران و ملت شریف در بیست سال هم نمی توانیم آباد کنیم. آیا خرابیهای صدام را می شود در کمتر از بیست سال آباد نمود؟ مردم شریف ایران و مسلمانان و آزادیخواهان تمامی جهان باید بدانند که اگر بخواهند بدون گرایش به چپ و راست و مستقل از هر قدرت و ابر قدرتی روی پای خویش بایستند، باید بهای بسیار گران استقلال و آزادی را بپردازند.

تجربه انقلاب اسلامی در ایران، با خونیهای هزاران شهید و مجروح و خراب شدن منزلها و به آتش کشیده شدن خرمیهای کشاورزان و کشته شدن تعداد بسیاری در بمبگذاریها و اسیر شدن فرزندان انقلاب و اسلام به دست دژخیمان بعث عراق و هزاران گونه تهدید و فشار اقتصادی و جانی به دست آمده است. ملت ایران تجربه پیروزی بر کفر جهانی را در خراب شدن منازل خود بر سر کودکان در خواب به دست آورده و با فداکاریها و مجاهدات، انقلاب و کشور خود را بیمه نموده است. و ما به تمام جهان تجربه هایمان را صادر می کنیم و نتیجه مبارزه و دفاع با ستمگران را بدون کوچکترین چشمداشتی، به مبارزان راه حق انتقال می دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه ها، جز شکوفه های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملت های دربند نیست. روشنفکران اسلامی همگی با علم و آگاهی باید راه پر فراز و نشیب دگرگون کردن جهان سرمایه داری و کمونیسم را بپیمایند و تمام آزادیخواهان باید با روشن بینی و روشنگری، راه سیلی زدن بر گونه ابر قدرتها و قدرتها، خصوصاً امریکا را بر مردم سیلی خورده کشورهای مظلوم اسلامی و جهان سوم ترسیم کنند. من با اطمینان

می‌گویم: اسلام ابرقدرتها را به خاک مذلت می‌نشانند، اسلام موانع بزرگ داخل و خارج محدوده خود را یکی پس از دیگری برطرف و سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد.

ملت شریف ایران توجه داشته باشید که کاری که شما مردان و زنان انجام داده‌اید آنقدر گرانبها و پر قیمت است که اگر صدها بار ایران با خاک یکسان شود و دوباره با فکر و تلاش فرزندان عزیز شما ساخته گردد، نه تنها ضرری نکرده‌اید، که سود زیستن در کنار اولیاء الله را برده‌اید و در جهان ابدی شده‌اید و دنیا بر شما رشک خواهد برد، خوشا به حالتان!

من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می‌کنم که اگر جهانخواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست، یا همه آزاد می‌شویم و یا به آزادی بزرگتری که شهادت است می‌رسیم و همان‌گونه که در تنهایی و غربت و بدون کمک و رضایت احدی از کشورها و سازمانها و تشکیلات جهانی، انقلاب را به پیروزی رساندیم، و همان‌گونه که در جنگ نیز مظلومانه‌تر از انقلاب جنگیدیم و بدون کمک حتی یک کشور خارجی متجاوزان را شکست دادیم، به یاری خدا باقیمانده راه پر نشیب و فراز را با اتکال به خدا، تنها خواهیم پیمود و به وظیفه خویش عمل خواهیم کرد، یا دست یکدیگر را در شادی پیروزی جهان اسلام در کل گیتی می‌فشاریم و یا همه به حیات ابدی و شهادت روی می‌آوریم و از مرگ شرافتمندانه استقبال می‌کنیم ولی در هر حال پیروزی و موفقیت با ما است و دعا را هم فراموش نمی‌کنیم.

خداوند! بر ما منت بته و انقلاب اسلامی ما را مقدمه فرو ریختن کاخهای ستم جباران و افول ستاره عمر متجاوزان در سراسر جهان گردان. و همه ملتها را از ثمرات و برکات وراثت و امامت مستضعفان و پابرهنگان برخوردار فرما.

حال با این مقدمه‌ها قضاوت در جنگ با خود مسلمانان است که تعقل و اندیشه کنند که ما در مسیر چه هدف و آرمانی مورد تهاجم قرار گرفته‌ایم و شهیدان گرانقدری را به پیشگاه مقدس حق تقدیم کرده‌ایم و صدام پلید چه نیاتی از تهاجم خود در سر

پرورانده است؛ دنیا نیز به چه انگیزه‌ای به حمایت ضمنی و علنی از او برخاسته است و تا امروز هم متجاوزین در تنگنای تسلیحات و امکانات نظامی و اقتصادی و سیاسی نبوده‌اند و دنیا هر روز به بهانه‌ای آنان را به بهترین و مدرنترین سلاحها مسلح نموده است ولی از دادن امکاناتی که حق مسلم ملت ما است و حتی پول آنها را گرفته‌اند خودداری نموده است، ولی با تمام این احوال ما افتخار می‌کنیم که در این نبرد طولانی و نابرابر فقط با تکیه بر سلاح ایمان و توکل بر خدای بزرگ و دعای بقیة الله - عجل الله تعالی فرجه - و اعتماد به نفس و همت دلاور مردان و شیرزنان صحنه کارزار به پیروزی رسیده‌ایم و خدا را سپاس می‌گذاریم که منت هیچ قدرت و کشوری و ابرقدرتی در جنگ، برگردن ما نیست و مردم کار آزموده و متوکل ما با استعانت از ذات مقدس کبریا یک‌ه و تنها و مظلومانه بر مشکلات بسیاری از طرح و عملیات و بسیج و آموزش نیروها تا نیاز تسلیحاتی کشورمان فائق آمده است. و علاوه بر موفقیت‌های اعجاز گونه‌ای که در صحنه‌های دفاع از کشور اسلامی و بیرون راندن متجاوزین از هزاران کیلومتر، به تحولات شگرف صنعتی از قبیل راه‌اندازی کارخانجات و دیگرگونی در خطوط تولید و ساختن و اختراع دهها وسایل پیشرفته و مدرن نظامی، آن هم بدون حضور هیچ مستشاری و بدون هیچ‌گونه کمک خارجی، دست یافته‌ایم، و هم اکنون که به مرز پیروزی مطلق رسیده‌ایم و قدم‌های آخرمان را برمی‌داریم، صدای ناآشنای صلح‌طلبی آن هم از کام ستمگران و جنگ افروزان به گوش می‌رسد و در جهان غوغا به راه انداخته و عزا و ماتم صلح‌طلبی برپا نموده است و مدافع آزادی و امنیت انسانها شده و برای خون جوانان و سرمایه‌های مادی و معنوی در کشور ایران و عراق مرثیه‌سرایی می‌کند. راستی چه شده است استکبار جهانی و در رأس آن امریکا اینقدر طرفدار ملت‌ها شده است و جنگ افروزان و آتش بیاران معرکه‌ها و جلادان قرن به شرف انسانیت و همزیستی مسالمت‌آمیز اعتقاد پیدا کرده‌اند و از عطش سیراب ناشدنی و خصلت خونخواری خود که طبیعت فرهنگ سرمایه‌داری و کمونیسم است، منصرف شده‌اند و شمشیرها و خنجرها و قداره‌های فرو رفته در قلب و جگر ملت‌ها را به غلاف کشیده‌اند! آیا این حقیقت است یا فریب و آیا این همان جلوه‌های دیگر شیخونها و بی‌انصافی‌هایی نیست که روزی سکوت را مصلحت

خویش می‌دید و امروز صلح طلبی را؟ آیا برآستی از این طریق جهانخواران نمی‌خواهند از ضربه آخر ما جلوگیری کنند و برای حفظ منافع خویش سیاست جنگ و صلح جهانی را به تصمیمات و فکرهای پوسیده و شیطانی خود گره بزنند و عملاً جان و مال و مملکت و امنیت ملل عالم را به قبضه قدرت خود در آورند که به طور قطع و یقین، علت و فلسفه سماجت و اصرار جهانخواران در تحمیل صلح بر ملت ایران، نشأت گرفته از همین تفکر است. و از همه اینها که بگذریم این مسئله که چه کسی خواهان صلح واقعی است و چه کسی جنگ طلب است خود اول بحث ما است.

آیا واقعاً صدام از گذشته‌ها و کرده‌ها و تجاوزات و ظلمها و ستمهای خود پشیمان شده است و اظهار ندامت می‌کند و از خیانتی که به ملتها و کشورهای اسلامی و در جهت تضعیف بنیه دفاعی ملل اسلامی نموده است عذر تقصیر می‌خواهد؟ آیا صلح طلبی صدام از روی دلسوزی و تنبه و آگاهی او است و اصلاً با اینهمه جنایت و غارتگریها، برای صدام وجدان و شعور و عاطفه‌ای می‌توان تصور کرد، یا اینکه این افعی زخم خورده به خاطر استیصال و درماندگی خود به طناب صلح طلبی چسبیده است؟ و عجب که بعض مدعیان عقل و سیاست و دوراندیشی چگونه طرح می‌دهند و با تحریف آیات کتاب خدا و استناد به سنت پیامبر ﷺ مسیر عزت و کرامت مسلمین را دیگرگون و مردم ما را از شرافت جهاد بر حذر می‌دارند، که خداوند را سپاس می‌گزاریم که به ملت ایران آگاهی و رشد مرحمت فرموده است که نه تنها تحت تأثیر این القائات نرفته و نمی‌رود، بلکه این موضعگیریهای ناشیانه و بچگانه را دلیل کمبود و ضعف مبانی فکری و عقیدتی صاحبان این تحلیلها دانسته و به آن لبخند تمسخر می‌زند. کدام انسان عاقلی است که با وجود همه شرایط مناسب و مقدمات لازم و فدا کردن هزاران قربانی بزرگ، از نبرد با دشمن رو به احتضار [از] مکتب و جامعه و کشور خود چشم‌پوشی نموده و به او مهلت توان دوباره دهد تا در موقع مناسب به کشور ما حمله کند؟ آیا ریاست چند روزه دنیا ارزش اینهمه خفت و زبونی را دارد؟ دنیا در شروع تجاوز به ما پیشنهاد می‌نمود که برای جلوگیری از تهاجم بیشتر به کشورتان، حاکمیت و خواسته‌های صدام را بپذیرید و به زورگویی صدامیان گردن نهید و امروز هم در راستای همان سیاستها و در زیر بمباران

مناطق مسکونی و حمله شیمیایی و حمله به نفت‌کشها و هواپیمای غیرنظامی و قطارهای مسافربری به زبان دیگری ما را به پذیرش حکومت زور و تجاوز صدامیان دعوت می‌کند. و این را دیگر همه آگاهان جهان درک کرده‌اند که نه تنها صدام از خلق و خوی سبیت و درندگی ذره‌ای عدول ننموده است که متأسفانه با حمایت جهانخواران و یا سکوت سازمانها و مراکز بین‌المللی به گرگ زخم‌برداشته‌ای بدل شده است و می‌رود تا شعله‌های آتش و جنگ را در کشورهای منطقه و خصوصاً خلیج فارس بر افروزد.

و من با وجود چنین شرایطی به همه سران کشورهای خلیج فارس و همه ابرقدرتهای شرق و غرب و خصوصاً امریکا و شوروی هشدار می‌دهم و آنان را از دخالت و ماجراجویی و تصمیمات عجولانه بر حذر می‌دارم و به ملت امریکا از اینکه عنان عقل و اراده خویش را در مهمترین مسائل سیاسی و بین‌المللی و نظامی به دست افرادی چون ریگان بسپارد نصیحت می‌کنم. چرا که ریگان در کارها و خصوصاً در مسائل سیاسی و تصمیم‌گیریها ناتوان شده است و به کمک عقلا و اندیشمندان نیازمند شده است که مردم امریکا را به ورطه سقوط نکشاند. من به سران کشورهای خلیج فارس سفارش می‌کنم که به خاطر یک عنصر ورشکسته سیاسی، نظامی، اقتصادی بیش از این خود و مردم کشورتان را تحقیر نکنید و با توسل به دامن امریکا ضعف و ناتوانی خود را برملا نسازید و از گرگها و درنده‌ها برای شبانی و حفظ منافع خود استمداد نطلبید ابر قدرتها آن لحظه‌ای که منافعشان اقتضا کند شما و قدیمترین وفاداران و دوستان خود را قربانی می‌کنند و پیش آنان دوستی و دشمنی و نوکری و صداقت ارزش و مفهومی ندارد. آنان منافع خود را ملاک قرار داده‌اند و به صراحت و در همه جا از آن سخن می‌گویند. چه خوب است که بعضی سران سرسپرده کشورهای اسلامی به اربابان و خدایان زر و زور و تزویر خود، این نکته را جدی گوشزد کنند که اینقدر از منافع خود در خلیج فارس سخن نگویند، برای اینکه همین مسئله موجب حساسیت شدید مردم منطقه است که امریکا و فرانسه و انگلیس چه منافی در آبهای خلیج فارس دارند تا پای دخالت نظامی و جنگ هم می‌خواهند آن را حفظ کنند؟ البته سیاست ما در مورد خلیج فارس از اول تا کنون صریح و روشن بوده است. جمهوری اسلامی ایران به امنیت در خلیج فارس

اهمیت زیادی می‌دهد و به همین دلیل و علی‌رغم فراهم بودن همه نوع امکانات دریایی و هوایی و زمینی در بستن تنگه هرمز و صدمه وارد کردن به کشتیها و نفت‌کشها و منافع و مراکز صدور نفت و پالایشگاهها و بنادر منطقه تا به حال از سیاست صبر و انتظار و جلوگیری از گسترش جنگ پیروی نموده است و فقط در حد نشان دادن مقدار کمی از قدرت و حضور و توانایی خود و مقابله به مثل وارد عمل گردیده است. و دنیا به این حقیقت رسیده است که ناامنی در خلیج فارس فقط به ضرر ایران تمام نمی‌شود، بلکه قویترین قدرتها و ابرقدرتها هم اگر مثل امریکا تمامی امکانات هوایی و دریایی و جاسوسی - خبری خود و هم پیمانان خود در منطقه را بسیج کنند، که حتی یک کشتی را بدون خطر اسکور و حفاظت نمایند، از این خطر و ضرر مصون نخواهند ماند و در این گرداب ناامنی غرق می‌شوند و علی‌رغم آنهمه مقدمات و تمهیدات و جار و جنجالهایی که در جهان امریکا برپا نموده است و دهها خبرنگار و فیلمبردار را به منطقه گسیل داشته‌اند تا خبر موفقیت نقشه‌های شوم امریکا را مخابره کنند، خداوند زمینه رسوایی و زبونی امریکا را به دست غیب خود فراهم می‌آورد و اقتدار معنوی پرچم لاله الا الله را بر پرچم کفر به نمایش می‌گذارد و دل‌بندگان خالص خویش را شادمان می‌سازد و چه بهتر که امریکا و ریگان از مسیر سیاست مین‌گذاری شده خلیج فارس که کوس رسوایی آنان را در جهان به صدا درآورده است مجدداً عبور نکند و بر مرکب غرور و جهلی که تا به حال دهها بار صاحب خود را بر زمین کوبانیده است، سوار نشود و لااقل شبح قدرت و قدرت‌نمایی خود را پیش نوکران خود مثل کویت حفظ کند و بیش از این آنان را از شکست و خفت خود شرمسار و سرافکننده نسازد و مطمئن باشند که ادامه جولان در خلیج فارس منطقه را به کانون خطر و بحران ناخواسته علیه خود آنان سوق می‌دهد. و دنیا اگر خودش را آماده بحران نفت و به هم خوردن همه معادلات اقتصادی و تجاری و صنعتی کرده است، ما هم آماده‌ایم و کمربندها را محکم بسته‌ایم و همه چیز برای عملیات آماده است. و حتماً امریکا باید به این نکته برسد که دخالت نظامی در خلیج فارس صرفاً یک آزمایش نیست که یک دام بزرگ و یک بازی خطرناک است و ما و همه مسلمانان منطقه خلیج فارس، حضور نظامی ابرقدرتها را نقشه و مقدمه تهاجم و حمله به ممالک

اسلامی و کشور جمهوری اسلامی ایران و در ادامه حمایت از صدام تلقی می‌کنیم. مسلمانان جهان با همراهی نظام جمهوری اسلامی ایران عزم خود را جزم کنند تا دندانه‌های امریکا را در دهانش خرد کنند و نظاره گر شکوفایی گل آزادی و توحید و امامت جهان نبی اکرم باشند.

البته لازم است این نکته را برای چندمین بار به سران کشورهای اسلامی حاشیه خلیج فارس بازگو کنیم که القای شبهه و بزرگ جلوه دادن خطر اسلام و انقلاب و جمهوری اسلامی ایران برای کشورهای منطقه همان ترفند قدیم و جدید جهان‌خواران بوده و است، که از این طریق از پیدایش جوّ تفاهم و همکاری مسالمت آمیز جلوگیری نمایند و احساس نیاز کشورها را به شرق و غرب تشدید کنند. جمهوری اسلامی ایران مایل است بر اساس حفظ وحدت و حمایت از منافع کشورها و ملت‌های اسلامی آنان را در مشکلات یاری نماید و در بروز حوادث تحمیلی سیاسی - نظامی از ناحیه استکبار جهانی با قدرت و نفوذ خود آنها را رفع و در جهت کنترل و نفی سلطه سیاسی شرق و غرب برنامه‌ای قوی و دقیق ارائه دهد، ولی ما مطمئنیم که با وجود صدام و حزب علفی عراق این مسئله به کندی پیش می‌رود، چرا که به همان میزانی که ابرقدرتها از ائتلاف و وحدت ملت‌های اسلامی واهمه دارند، صدام نیز از همکاری ایران با کشورهای اسلامی در هراس است. به هر حال اصرار ما در نبرد، تارفتن صدام و حزب کثیف عراق و رسیدن به شرایط برحق و عادلانه دیگرمان یک تکلیف شرعی و واجب الهی است که از آن هرگز تخطی نمی‌کنیم که ان شاء الله با تحقق آن، در کنار کشورهای اسلامی، سیاستی محکم و بنیادین برای همه کشورها و ملت‌های اسلامی پایه‌ریزی شده است و در پرتو آن منافع مردم از آفت و خطر مهاجمین و متجاسرین محفوظ خواهد ماند و همه کسانی که به فکر تجاوز به حریم کشورهای اسلامی شده‌اند از سرنوشت صدامیان عبرت می‌گیرند و خودشان را به غضب و خشم ملت‌ها گرفتار نخواهند ساخت.

امروز بدون شک سرنوشت همه امت‌ها و کشورهای اسلامی به سرنوشت ما در جنگ گره خورده است. و جمهوری اسلامی ایران در مرحله‌ای است که پیروزی آن به حساب پیروزی همه مسلمانان و خدای نخواسته شکست آن، به ناکامی و شکست

و تحقیر همه مؤمنان می انجامد و رها کردن یک ملت و یک کشور و یک مکتب بزرگ در نیمه راه پیروزی، خیانت به آرمان بشریت و رسول خداست، لذا تب جنگ در کشور ما جز به سقوط صدام فرو نخواهد نشست و ان شاء الله تا رسیدن به این هدف فاصله چندانی نمانده است. و خدا را سپاس می گزاریم که ملت و دولت و مسئولین و ارتش و سپاه و بسیج و نیروهای مردمی و همه اقشار دلاور کشورمان در آمادگی کامل به سر می برند و همه اهل جنگ و هنر آفرینان مدرسه عشق و شهادتند و به خوبی از پس توطئه های استکبار و ایادی جاسوس و منافق آنان برآمده اند و می روند که به یاری خداوند بزرگ آخرین معابر پیروزی را باز کنند و علاوه بر حضور برتر خود در خلیج فارس و جزایر و سواحل و مناطق غرب و جنوب، هم اکنون نیز به سازماندهی و بسیج و تشکل مردم ستم دیده عراق پرداخته اند که این از مهمترین خواسته ها و هدفهای ما بوده است، چرا که از اول جنگ به صراحت اعلام کرده ایم که ایران حتی به یک وجب از خاک عراق چشم ندوخته است و مردم عراق در تصمیم گیریه و انتخاب حکومت خود آزادند و چه بهتر آنکه قبل از سقوط حاکمیت مطلق بعث عراق، به دست رزمندگان دلاور اسلام در جبهه های نبرد، حکومت دلخواه و مورد نظر خود را انتخاب کنند که بحمد الله طلیعه این حرکت بزرگ آشکار شده است و همه ابرقدرتها و حامیان رژیم ربه زوال بعث مطمئن باشند که بین المللی کردن درگیریه در جنگ و ایجاد جو فشار و جریانات ساختگی سیاسی و تبلیغاتی و دیپلماسی علیه جمهوری اسلامی ایران در جهان و دخالتهای نظامی و غیرنظامی در خلیج فارس و بزرگ نمایی مشکلات و اختلاف تراشی و ارائه تحلیلهای کور و بی ثمر، ما را از هدف سرنگونی صدام و حزب بعث عراق و تنبیه متجاوز باز نخواهد داشت و به لطف خدا تمامی فشارها و محاصره های جهانی را برای نیل به این هدف بزرگ تحمل می کنیم و از جنگ کردن در راه خدا خسته نمی شویم. و این ملت بزرگ ایران است که با قامتی استوار بر بام بلند شهادت و ایثار ایستاده است و هر روز نشاط و تحرک و فریاد او برای ادامه راه بیشتر می شود. البته ممکن است غریزدها و بزدلان و همانهایی که نه در روزهای آغازین در میدان دفاع بوده اند و نه تا به امروز به حمایت از حماسه آفرینان و وطن بانان خدمتی کرده اند و نه در آینده

لیاقت حضور در جنود و سربازان خدا را خواهند یافت، برای خوش خدمتی به اربابان و دلگرم نمودن آنان از خستگی و بن بست در جنگ تحمیلی، داد سخن دهند و به خیال خام خود افکار را از جنگ منحرف نمایند و احیاناً آنها که در خارج از مرزها نشسته اند باورشان بیاید که مردم و مسئولین و ارتش و سپاه و بسیج از جنگ و ادامه آن خسته شده اند و یا در میان آنان بر سر جنگ اختلاف افتاده است. و حال آنکه به لطف خدا در حاکمیت جمهوری اسلامی ما اختلافی بر سر مواضع اصولی، سیاسی و اعتقادی وجود ندارد و همه مصممند تا توحید ناب را در بین الملل اسلامی پیاده نموده و سر خصم را به سنگ بکوبانند، تا در آینده ای نه چندان دور به پیروزی اسلام در جهان برسند.

الحمد لله این کشور رسول خدا ﷺ امروز میلیونها جوان داوطلب جنگ و شهادت در خود پرورانده است و دل و دیدگان ملت ما را جز رضایت حق چیزی پر نخواهد کرد و به همین جهت از بذل مال و جان و فرزندان خویش در راه خدا لذت می برند و ملاک ارزش و برتری در نزد آنان تقوا و سبقت در جهاد گردیده است و از تفرعنهای خودنماییهای جاهلیت قدیم و جدید متنفرند و من خودم را خادم یک چنین ملتی می دانم و به این خدمت افتخار می کنم و همه این برکات معنوی را از توجه پیامبر رحمة للعالمین و خاتم المرسلین ﷺ می دانم و مردم و جوانان کشورهای اسلامی را به کشف و شناخت و ایجاد روابط گرم و برادرانه با این عصاره های فضیلت و تقوا دعوت نموده و در این فرصت به همه مسئولان کشورمان تذکر می دهم که در تقدم ملاکها، هیچ ارزش و ملاکی مهمتر از تقوا و جهاد در راه خدا نیست و همین تقدم ارزشی و الهی باید معیار انتخاب و امتیاز دادن به افراد و استفاده از امکانات و تصدی مسوولیتها و اداره کشور و بالاخره جایگزین همه سنتها و امتیازات غلط مادی و نفسانی بشود، چه در زمان جنگ و چه در حالت صلح، چه امروز و چه فردا، که خدا این امتیاز را به آنان عنایت فرموده است و صرف امتیاز لفظی و عرفی کفایت نمی کند، که باید هم در متن قوانین و مقررات و هم در متن عمل و عقیده و روش و منش جامعه پیاده شود و مصلحت زجر کشیده ها و جبهه رفته ها و شهید و اسیر و مفقود و مجروح داده ها و در یک کلام، مصلحت پابرنه ها و گودنشینها و مستضعفین، بر مصلحت قاعدین در منازل و مناسک و متمکنین و مرفهین

گريزان از جبهه و جهاد و تقوا و نظام اسلامی مقدم باشد و نسل به نسل و سینه به سینه شرافت و اعتبار پيشتازان اين نهضت مقدس و جنگ فقر و غنا محفوظ بماند و بايد سعی شود تا از راه رسیده‌ها و دين به دنيا فروشان، چهره کفرزدایی و فقرستیزی روشن انقلاب ما را خدشه‌دار نکنند و لکه ننگ دفاع از مرفهين بيخبر از خدا را بر دامن مسئولین نچسبانند و آنهایی که در خانه‌های مجلل، راحت و بی درد آرمیده‌اند و فارغ از همه رنجها و مصیبت‌های جانفرسای ستون محکم انقلاب و پابرنه‌های محروم، تنها ناظر حوادث بوده‌اند و حتی از دور هم دستی بر آتش نگرفته‌اند، بايد به مسئولیت‌های کلیدی تکیه کنند، که اگر به آن جا راه پیدا کنند چه بسا انقلاب را یکشبه بفروشند، و حاصل همه زحمات ملت ایران را بر باد دهند، چرا که اينها هرگز عمق راه طی شده را ندیده‌اند و فرق و سینه شکافته نظام و ملت را به دست از خدا بیخبران مشاهده نکرده‌اند و از همه زجرها و غربت‌های مبارزان و التهاب و بیقراری مجاهدان که برای مرگ و نابودی ظلم بیگانگان دل به دریای بلا زده‌اند، غافل و بیخبرند.

۳- روحانیون و مدیران و مسئولین محترم کاروانها و حج با توجه به مسئولیت خطیری که در اداره و توجیه زائران محترم پذیرفته‌اند و با در نظر گرفتن شرایط استثنایی کشور جمهوری اسلامی ایران باید تمام همت و تلاش خود را در برگزاری صحیح و منظم حج به کار گیرند و با سعه صدر و به دور از هرگونه توقع و منتی زائران محترم بیت‌الله را در آموزش و تعلیم مناسک و مسائل حج همراهی نمایند و متناسب با حضور قشرهای مختلف اعم از بیسواد و باسواد برای آنان برنامه‌ریزی کنند و از نقش سازنده خود و تأثیر بزرگی که حج برای همیشه در سرنوشت انسان می‌گذارد غافل نشوند، چرا که در آن فضا و شرایط معنوی همه دلها برای تحول و پذیرفتن حق آماده است، لذا از اعمال نظرهای شخصی در امور حج و خصوصاً در مسائل و مناسک جداً خودداری شود و مسائل حج را با علم و یقین و در موارد ضرورت با مراجعه به اشخاص مطلع و یا منابع فقهی آن بیان فرمایند، چرا که در اعمال و مناسک حج مسائل جدید و مورد ابتلا فراوان است و خدای نا کرده بیان ناقص و غلط مسائل، موجب بطلان عمل و گرفتاری حجاج محترم و عسر و حرج می‌گردد.

روحانیون عزیز در عین حالی که مسائل را به طور واضح و دقیق بیان می‌کنند ولی از مشکل تراشی و حالت‌های وسواس گونه که زائران [را] در شک و تردید و احتیاط‌های بیمورد قرار می‌دهد خودداری کنند، چرا که وسواس در برنامه و مراسم و عبادتها و ادعیه موجب کسالت و بی‌توجهی در واجبات می‌شود. و یکی از فرصت‌های بسیار مناسب و مغتنم برای روحانیون، ارتباط با صاحب‌نظران و اندیشمندان و علمای کشورهای اسلامی است. هر چند که استکبار جهانی، یا سران بعضی کشورهای اسلامی بشدت از این نوع ملاقاتها و رابطه‌های یمناک و از آن جلوگیری و مراقبت می‌نمایند، ولی برنامه‌ریزی سالم و استفاده کردن از این موقعیت مناسب برای تبادل افکار و اندیشه‌ها و پیدا کردن راه حل برای معضلات جوامع اسلامی از خواسته‌های جمهوری اسلامی ایران بوده است و در این فرصت مغتنم، روحانیون معظم و مسئولین تبلیغات حج برای انتقال تجارب انقلاب و ارائه خط مشی‌های سیاسی در پرتو احکام قرآن و نقش عظیم روحانیت اسلام در رهبری مردم و جامعه، نقش کارسازی باید ایفا بنمایند.

متأسفانه نه تنها مردم کشورها، بلکه روحانیون ممالک اسلامی اکثراً از کارآیی و نقش سازنده و تعیین کننده خود در مسائل روز و سیاست‌های بین‌المللی بی‌خبر هستند و متأثر از القائنات و برداشتهای مادی، تصور می‌کنند که در عصر تمدن و تکنیک و صنعت و تحولات علمی و پیشرفتهای مادی، نفوذ روحانیت کم شده است و نعوذ بالله اسلام از اداره کشورها عاجز مانده است، که بحمدالله پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری روحانیت، خلاف این تصورات را ثابت نمود و علی‌رغم همه کارشکنیها و سنگ‌اندازیها و توطئه‌های شرق و غرب و حسادت و کینه‌توزی ایادی آنان، توانمندی و اقتدار روحانیت اسلام آشکار گردید. که من از تمامی علما و متفکرین و دانشمندان اسلامی سراسر جهان دعوت می‌کنم که در فرصتهای مناسب به کشور عزیز اسلامی ایران سفر کنند و در وضع گذشته این مملکت که نظام شاهنشاهی آن را به مملکتی غریزه و تهی از ارزشهای اسلامی مبدل ساخته بود و ایران می‌رفت تا پایگاهی برای اسلام‌زدایی و محو آثار رسالت گردد و از تاریخ تا فرهنگ و همه مظاهر اسلام نابود شود، فکر نمایند و همچنین به بررسی وضعیت کنونی بپردازند که اساس قوانین و مقررات این کشور را

وحی و اسلام معین نموده است و تمامی مظاهر کفر و شرک و معاصی علنی حتی المقدور بر چیده شده و علی رغم همه نغمه های شوم التقاطیها و چپها و راستها و ملیگراها که در روزهای اول پیروزی انقلاب و برای قبضه نمودن قدرت و تفکر ملت ایران از حلقوم آنان برمی خاست، خداوند بر ما منت نهاد که توطئه آنان کشف و در تمامی کشور ما قوانین و برنامه های اسلامی در حال پیاده شدن است و از میدانهای نبرد و کارزار گرفته تا مراکز تحقیقات علمی، دانشگاهها و حوزه ها و از مجالس قانونگذاری و تدوین همه مقررات کشوری و لشکری تا قوه مجریه که دست اندرکاران حل و فصل بزرگترین مسائل اداری و اجرایی یک کشور بزرگ و در حال جنگ و محاصره و با جمعیتی متجاوز از پنجاه میلیون نفر است و از قوه قضاییه که مسئولیت اجرای حدود و احکام الهی و در حقیقت بار سنگین تأمین امنیت جان و نوامیس و اموال و شخصیت یک جامعه انقلابی را به عهده دارد تا فرماندهی قوای نظامی و انتظامی که مسئولیت امنیت مرزها و داخل کشور و خنثی نمودن صدها توطئه رنگارنگ به عهده آنان است و باید جلوی تخریب و جنایات منافقین و ضدانقلاب و اشاعه فحشا و منکرات و دزدیها و قتلها و مواد مخدر را بگیرند، که همه اینها با رهبری روحانیت متعهد و به برکت احکام نورانی اسلام و کتاب آسمانی پیامبر اکرم حضرت محمد بن عبدالله ﷺ و پیروی از ائمه هدی علیهم السلام اداره می شود و خدا را سپاس می نهیم که با تکیه بر آیات وحی و کتاب خدا توانسته ایم کشورمان را از وابستگیها نجات دهیم. البته تا پیاده کردن تمامی احکام و مقررات اسلامی و عمل کامل در همه سطوح جامعه راه زیادی در پیش داریم ولی به یاری خداوند همچنان به تلاش و کوشش خود ادامه می دهیم و در عمل به همه غربزدگان و شرقزدگان و خودباختگانی که از مطرح کردن شعار اسلام و اعتماد به قرآن کریم و اهمه داشته اند، نشان می دهیم که چگونه می توان جامعه را از سرچشمه های معرفت کتاب خدا و هدایت اسلام عزیز سیراب نمود، که بحمدالله همه اینها از برکات و ورود علما در مسائل سیاسی و استنباط احکام در مسائل مستحدثه بوده است، که روحانیت کشور ایران فقط به خطابه و وعظ و ذکر مسائل روزمره اکتفا ننموده است و با دخالت در مهمترین مسائل سیاسی کشور خود و جهان توانسته است قدرت مدیریت روحانیت اسلام را به

نمایش بگذارد و اتمام حجتی برای همه قائلین به سکوت و سازشکاران بی تعهد و علم فروشان بی عمل باشد و تعجب است که چگونه بسیاری از علما و روحانیون کشورها و بلاد اسلامی از نقش عظیم و رسالت الهی و تاریخی خود در این عصری که بشریت تشنه معنویت و احکام نورانی اسلام است غافلند و عطش ملت‌ها را درک نمی‌کنند و از التهاب و گرایش جوامع بشری به ارزشهای وحی بیخبرند و قدرت و نفوذ معنوی خود را دست کم گرفته‌اند، که در همین شرایط پر زرق و برق حاکمیت علوم و تمدن مادی بر نسل معاصر، علما و خطبا و ائمه جمعه بلاد و روشنفکران اسلامی با وحدت و انسجام و احساس مسئولیت و عمل به وظیفه سنگین هدایت و رهبری مردم، می‌توانند دنیا را در قبضه نفوذ و حاکمیت قرآن در آورند و جلوی اینهمه فساد و استثمار و حقارت مسلمین را بگیرند و از لانه کردن شیاطین کوچک و بزرگ خصوصاً آمریکا در ممالک اسلامی جلوگیری کنند و به جای نوشتن و گفتن لاطائلات و کلمات تفرقه‌انگیز و مدح و ثنای سلاطین جور و بدین کردن مستضعفان به مسائل اسلام و ایجاد نفاق در صفوف مسلمین به تحقیق و نشر احکام نورانی اسلام همت بگمارند و با استفاده از این دریای بیکران ملت‌های اسلامی، هم عزت خود را و هم اعتبار امت محمدی صلی الله علیه و آله را پایدار نمایند.

آیا برای علمای کشورهای اسلامی ننگ آور نیست که با داشتن قرآن کریم و احکام نورانی اسلام و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام احکام و مقررات کفر در ممالک اسلامی تحت نفوذ آنان پیاده شود و تصمیمات دیکته شده صاحبان زر و زور و تزویر و مخالفان واقعی اسلام اجرا گردد و سیاستگذاران کرملین یا واشنگتن دستورالعمل برای ممالک اسلامی صادر کنند؟ علمای بلاد و کشورهای اسلامی باید راجع به حل مشکلات و معضلات مسلمین و خروج آنان از سیطره قدرت حکومت‌های جور با یکدیگر به بحث و مشورت و تبادل نظر بپردازند و برای حفظ منافع مسلمین سینه‌ها را سپر کنند و جلوی تهاجم فرهنگ‌های مبتذل شرق و غرب را که به نابودی نسل و حرث ملت‌ها منتهی شده است را بگیرند، و به مردم کشورهای خود آثار سوء و نتایج خود باختگی در مقابل زرق و برق غرب و شرق را بازگو کنند و به مردم و به دولتها خطر استعمار نو و شیطنت ابرقدرتها که جنگ و مسلمان‌کشی در جهان به راه انداخته‌اند،

گوشزد کنند.

من مجدداً تأکید می‌کنم که دنیا امروز تشنه حقایق و احکام نورانی اسلام است و حجت الهی بر همه علما و روحانیون تمام گردیده است، چرا که وقتی جوانان کشورهای اسلامی برای دفاع از مقدسات دینی خود تا سرحد شهادت پیش رفته‌اند و برای بیرون کردن متجاوزان، خود را به دریای حوادث و بلا زده‌اند و زندانها و شکنجه‌ها را به جان خریده‌اند و همچون مسلمانان شجاع و مبارز و عزیزان حزب الله لبنان و سایر کشورها مقاومت کرده‌اند و به جهاد علیه متجاوزان برخاسته‌اند، چه حجتی بالاتر از این و چه بهانه‌ای برای سکوت و مماشات و در خانه نشستن و تقيه کردنهای بیمورد مانده است؟ علما و روحانیت متعهد اسلام اگر دیر عمل کنند، کار از کار می‌گذرد. البته ما درد تنهایی بعضی از علما و متعهدینی که در شهرها و کشورهايشان در محاصره سرنیزه‌ها و فشار تحلیلهای و حکمهای نامشروع علمای سوء و درباری گرفتار آمده‌اند [را] احساس می‌کنیم ولی به همه این عزیزان که در فشار جباران می‌باشند، موعظه خدا را یادآور می‌شویم که «أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِزْيَانٍ إِنْ تُفْرَادٍ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا»^۱؛ برای خدا قیام کنید و از تنهایی و غربت نهراسید، مساجد بهترین سنگرها و جمعه و جماعات مناسبترین میدان تشکل و بیان مصالح مسلمین می‌باشند. امروز دولتها و سرسپردگان ابرقدرتها اگر چه به جنگ جدی با مسلمانان برخاسته‌اند و همچون دولت هند مسلمانان بیگناه و بی‌پناه و آزاده را قتل عام می‌کنند ولی هرگز جرأت و قدرت تعطیل مساجد و معابد مسلمین را برای همیشه ندارند و نور عشق و معرفت میلیونها مسلمان را نمی‌توانند خاموش کنند. در عین حال اگر آنان مساجد و محافل مذهبی و سیاسی علمای اسلام را به تعطیلی بکشانند و حتی علمای اسلام را در ملأ عام به دار کشند، خود دلیل مظلومیت اسلام و موجب توجه بیشتر مسلمانان به روحانیت و پیروی از آنان می‌شود. مگر نه این است که خداوند از علما پیمان گرفته است که در برابر ستم ستمکاران و ظلم جنایت پیشگان ساکت و آرام نمانند؟ مگر نه این است که علما حجت پیامبران و معصومین بر زمین هستند؟ پس باید علما و

۱. بخشی از آیه ۴۶ سوره سبا: «(بگو شما را به یک موعظه سفارش می‌کنم) اینکه برای خدا قیام کنید دو نفر دو نفر یا به تنهایی، سپس فکر و اندیشه کنید».

روشنفکران و محققان به داد اسلام برسند و اسلام را از غربتی که دامنگیرش شده است نجات دهند و بیش از این ذلت و حقارت را تحمل نکنند و بت سیادت تحمیلی جهانخواران را بشکنند و با بصیرت و سیاست چهره منور و پراقتدار خود را آشکار سازند و در این راستا، دو چهره‌ها و روحانی‌نمایان و دین به دنیا فروشان و قیل و قال کنندگان را از خود و از کسوت خود برانند و اجازه ندهند که علمای سوء و تملق‌گویان ظلمه و ستمگران، خود را به جای پیشوایان و رهبران معنوی امت‌های اسلامی بر مردم تحمیل کنند و از منزلت و موقعیت معنوی علمای اسلام سوء استفاده کنند. روحانیون متعهد اسلام باید از خطر عظیمی که از ناحیه علمای مزور و سوء و آخوندهای درباری متوجه جوامع اسلامی شده است سخن بگویند، چرا که این بیخبران هستند که حکومت جابران و ظلم‌سران وابسته را توجیه و مظلومین را از استیفای حقوق حقه خود منع و در مواقع لزوم به تفسیق و کفر مبارزان و آزادیخواهان در راه خدا حکم می‌دهند، که خداوند همه ملت‌های اسلامی را از شرور و ظلمت این نااهلان و دین فروشان نجات دهد.

و یکی از مسائل بسیار مهمی که به عهده علما و فقها و روحانیت است، مقابله جدی با دو فرهنگ ظالمانه و منحط اقتصادی شرق و غرب و مبارزه با سیاست‌های اقتصاد سرمایه‌داری و اشتراکی در جامعه است، هرچند که این بلیه دامنگیر همه ملت‌های جهان گردیده است و عملاً بردگی جدیدی بر همه ملت‌ها تحمیل شده و اکثریت جوامع بشری در زندگی روزمره خود به اربابان زر و زور پیوند خورده‌اند و حق تصمیم‌گیری در مسائل اقتصاد جهان از آنان سلب شده است و علی‌رغم منابع سرشار طبیعت و سرزمین‌های حاصلخیز جهان و آب‌ها و دریاها و جنگل‌ها و ذخایر، به فقر و درماندگی گرفتار آمده‌اند و کمونیستها و زراندوزان و سرمایه‌داران با ایجاد روابط گرم با جهانخواران، حق حیات و ابتکار عمل را از عامه مردم سلب کرده‌اند و با ایجاد مراکز انحصاری و چند ملیتی، عملاً نبض اقتصاد جهان را در دست گرفته و همه راه‌های صدور و استخراج و توزیع و عرضه و تقاضا و حتی نرخ‌گذاری و بانکداری را به خود منتهی نموده‌اند و با القای تفکرات و تحقیقات خود ساخته، به توده‌های محروم باورانده‌اند که باید تحت نفوذ ما زندگی کرده و الا راهی برای ادامه حیات پابرنه‌ها، جز تن دادن به فقر باقی نمانده است و این

مقتضای خلقت و جامعه انسانی است که اکثریت قریب به اتفاق گرسنگان در حسرت یک لقمه نان بسوزند و بمیرند و گروهی اندک هم از پرخوری و اسراف و تعیشها جانشان به لب آید. به هر حال این مصیبتی است که جهانخواران بر بشریت تحمیل کرده‌اند و کشورهای اسلامی به واسطه ضعف مدیریتها و وابستگی، به وضعیت افسبار گرفتار شده‌اند که این به عهده علمای اسلام و محققین و کارشناسان اسلامی است که برای جایگزین کردن سیستم ناصحیح اقتصاد حاکم بر جهان اسلام، طرحها و برنامه‌های سازنده و دربرگیرنده منافع محرومین و پابرنه‌ها را ارائه دهند و جهان مستضعفین و مسلمین را از تنگنا و فقر معیشت به درآورند. البته پیاده کردن مقاصد اسلام در جهان و خصوصاً برنامه‌های اقتصادی آن و مقابله با اقتصاد بیمار سرمایه‌داری غرب و اشتراکی شرق، بدون حاکمیت همه جانبه اسلام میسر نیست و ریشه کن شدن آثار سوء و مخرب آن، چه بسا بعد از استقرار نظام عدل و حکومت اسلامی همچون جمهوری اسلامی ایران نیازمند به زمان باشد، ولی ارائه طرحها و اصولاً تبیین جهت‌گیری اقتصاد اسلام در راستای حفظ منافع محرومین و گسترش مشارکت عمومی آنان و مبارزه اسلام با زراندوزان، بزرگترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهیدستی به شمار می‌رود و بیان این حقیقت که صاحبان مال و منال در حکومت اسلام هیچ امتیاز و برتری‌ای از این جهت بر فقرا ندارند و ابداً اولویتی به آنان تعلق نخواهد گرفت، مسلم راه شکوفایی و پرورش استعدادهای خفته و سرکوب شده پابرنگان را فراهم می‌کند. و تذکر این مطلب که ثروتمندان هرگز به خاطر تمکن مالی خود نباید در حکومت و حکمرانان و اداره کنندگان کشور اسلامی نفوذ کنند و مال و ثروت خود را به بهانه فخر فروشی و مباحات قرار بدهند و به فقرا و مستمندان و زحمتکشان، افکار و خواسته‌های خود را تحمیل کنند، این خود بزرگترین عامل تعاون و دخالت دادن مردم در امور و گرایش آنان به اخلاق کریمه و ارزشهای متعالی و فرار از تملق‌گوئیها می‌گردد و حتی بعض ثروتمندان را از اینکه تصور کنند که مال و امکاناتشان دلیل اعتبار آنان در پیشگاه خداست متنبه می‌کند.

خلاصه کلام اینکه بیان این واقعیت که در حکومت اسلامی بهای بیشتر و فزونتر از

آن کسی است که تقوا داشته باشد، نه ثروت و مال و قدرت و همه مدیران و کارگزاران و رهبران و روحانیون نظام و حکومت عدل موظفند که با فقرا و مستمندان و پابره‌نه‌ها بیشتر حشر و نشر و جلسه و مراوده و معارفه و رفاقت داشته باشند تا متمکنین و مرفهین، و در کنار مستمندان و پابره‌نه‌ها بودن و خود را در عرض آنان دانستن و قرار دادن، افتخار بزرگی است که نصیب اولیا شده و عملاً به شبهات و القائات خاتمه می‌دهد، که بحمدالله در جمهوری اسلامی ایران، اساس این تفکر و بینش در حال پیاده شدن است.

و همچنین مسئولین محترم کشور ایران علی‌رغم محاصرات شدید اقتصادی و کمبود درآمدها، تمامی کوشش و تلاش خود را صرف فقرزدایی جامعه کرده‌اند و همه آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسئولین کشور ما است که روزی فقر و تهیدستی از جامعه ما رخت بربندد و مردم عزیز و صبور و غیرتمند کشور از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند. خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه‌دارها گردد و اغنیا ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار شوند. معاذالله که این با سیره و روش انبیا و امیرالمؤمنین و ائمه معصومین علیهم‌السلام سازگار نیست، دامن حرمت و پاک روحانیت از آن منزّه است، تا ابد هم باید منزّه باشد و این از افتخارات و برکات کشور و انقلاب و روحانیت ما است که به حمایت از پابره‌نگان برخاسته است و شعار دفاع از حقوق مستضعفان را زنده کرده است. از آنجا که محرومیت‌زدایی، عقیده و راه و رسم زندگی ما است، جهانخواران در این مورد هم ما را آرام نگذاشته‌اند و برای ناتوان ساختن دولت و دست‌اندرکاران کشور ما حلقه‌های محاصره را تنگتر کرده‌اند و بغض و کینه و ترس و وحشت خود را در این حرکت مردمی و تاریخی تا مرز هزاران توطئه سیاسی - اقتصادی ظاهر ساخته‌اند و بدون شک جهانخواران به همان میزان که از شهادت‌طلبی و سایر ارزشهای ایثارگرانه ملت ما واهمه دارند، از گرایش و روح اقتصاد اسلام به طرف حمایت از پابره‌نگان در هراسند و مسلم هر قدر کشور ما به طرف فقرزدایی و دفاع از محرومان حرکت کند، امید جهانخواران از ما منقطع و گرایش ملت‌های جهان به اسلام زیادتر می‌شود و روحانیت عزیز باید به این اصل توجه عمیق داشته باشند و افتخار

تاریخی و بیش از هزار ساله پناهگاهی محرومان را برای خود حفظ کنند و به سایر مسئولین و مردم توصیه نمایند که ما نباید گرایش و توجه بی‌شائبه محرومین را به انقلاب و حمایت بیدریغ آنان را از اسلام فراموش کنیم و بدون جواب بگذاریم.

البته پرواضح است که همه اقشار کشور ما در انقلاب سهیم و شریکند و همه برای خدا و انجام وظیفه الهی خود وارد صحنه‌ها شده‌اند و مقصد خدا است و هرگز آمال بلند و الهی خود را به مسائل مادی آلوده نمی‌کنند و با کمبودها از میدان به در نمی‌روند، چرا که کسی که برای خدا جان و مال فدا می‌کند، به خاطر شکم و دنیا از پا در نمی‌آید، ولی وظیفه ما و همه دست‌اندرکاران است که به این مردم خدمت کنیم و در غم و شادی و مشکلات آنان شریک باشیم که گمان نمی‌کنم عبادتی بالاتر از خدمت به محرومین وجود داشته باشد. راستی وقتی که پابره‌نه‌ها و گودنشینان و طبقات کم‌درآمد جامعه ما امتحان و تقید خود را به احکام اسلامی تا سر حد قربانی نمودن چندین عزیز و جوان و بذل همه هستی خود داده‌اند و در همه صحنه‌ها بوده‌اند - و ان شاء الله خواهند بود - و سر و جان را در راه خدا می‌دهند، چرا ما از خدمت به این بندگان خالص حق و این رادمردان شجاع تاریخ بشریت افتخار نکنیم! ما مجدداً می‌گوییم که یک موی سر این کوخ‌نشینان و شهیددادگان به همه کاخ و کاخ نشینان جهان شرف و برتری دارد.

و آخرین نکته‌ای که در اینجا ضمن تشکر از علما و روحانیون و دولت خدمتگزار حامی محرومان باید از باب تذکر عرض کنم و بر آن تأکید نمایم، مسئله ساده‌زیستی و زهدگرایی علما و روحانیت متعهد اسلام است که من متواضعانه و به عنوان یک پدر پیر از همه فرزندان و عزیزان روحانی خود می‌خواهم که در زمانی که خداوند بر علما و روحانیون منت نهاده است و اداره کشور بزرگ و تبلیغ رسالت انبیا را به آنان محول فرموده است، از زی‌روحانی خود خارج نشوند و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا که دون شأن روحانیت و اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران است، پرهیز کنند و برحذر باشند که هیچ آفت و خطری برای روحانیت و برای دنیا و آخرت آنان بالاتر از توجه به رفاه و حرکت در مسیر دنیا نیست که بحمدالله روحانیت متعهد اسلام امتحان زهدگرایی خود را داده است، ولی چه بسا دشمنان قسم خورده اسلام و روحانیت بعد از

این برای خدشه دار کردن چهره این مشعلداران هدایت و نور، دست به کار شوند و با کمترین سوژه‌ای به اعتبار آنان لطمه وارد آورند که ان شاء الله موفق نمی‌شوند.

و اما زائران محترم ایرانی که انصافاً شخصیت و شعور و رشد سیاسی و اجتماعی خود را در مراسم حج سالهای گذشته به نمایش گذارده‌اند و باعث حفظ آبرو و اعتبار جمهوری اسلامی ایران شده‌اند، امسال نیز علاوه بر دقت و توجه به اعمال و واجبات حج و استفاده از این نعمت بزرگ تشرف به مکه مکرمه و مدینه منوره و زیارت خانه خدا و مرقد پاک نبی اکرم ﷺ و بقیع و تشرف به جوار تربت مطهر حضرت زهرا علیها السلام و ائمه معصومین علیهم السلام در راهپیمایی کوبنده برائت با هماهنگی و انسجام کامل در صفوف و شعارها و برنامه‌ها شرکت نمایند و از برکات این اجتماع مقدس عبادی - سیاسی که نشان دهنده اقتدار مسلمین و کشور عزیز و اسلامی ایران است بهره‌مند شوند و با برخورداری اخلاقی و سالم و سازنده در تمام مراسم حج و خصوصاً در مسیر راهپیمایی با مردم سایر کشورها و یا مأمورین کشور عربستان سعودی، آنان را به ضرورت حضور در این اجتماعات دعوت کنند و از هرگونه اعمال سلیقه‌های شخصی و کارهای خودسرانه‌ای که خدای ناکرده موجب هتک احترام این اجتماع عظیم شود خودداری کنند و از درگیری و اهانت و جدال احتراز نمایند، هرچند که زائران محترم با آگاهی کامل نقشه‌ها و توطئه‌ها را خشی می‌کنند ولی چه بسا افرادی به منظور برهم زدن شکوه و جلوه اجتماعات حج و مخدوش کردن چهره انقلاب به کارهای بدون حساب و خودسرانه دست زنند. البته بعید به نظر می‌رسد که دولت یا مأمورین عربستان که میزبان زائران خانه خدا و حرم پیغمبر اکرمند، از این نمایش قدرت اسلام و مسلمین در برابر کفر و ابتکار عملی - سیاسی ملت ماکه به خاطر سربلندی جهان اسلام و مسلمین می‌باشد جلوگیری کنند. در هر حال زائران ایرانی به نقش و رسالت خود در تمامی مراحل حج توجه کنند که تمامی اعمال و رفتار آنان با دقت مورد توجه و نظر دوستان و دشمنان انقلاب ما است، و دشمنان انقلاب در صدد دست یافتن به سوژه‌ای ولو مختصر جهت تخریب قداست و اعتبار الهی مردم کشور ما می‌باشند و دوستان و طرفداران انقلاب مشتاق آشنایی با روش و سیره و خصوصیات این ملتی که آوازه نام و نشانش - به یاری خداوند - در سراسر عالم طنین

افکنده است، گردیده‌اند. و حج بهترین میعادگاه معارفه ملت‌های اسلامی است که مسلمانان با برادران و خواهران دینی و اسلامی خود از سراسر جهان آشنا می‌شوند و در آن خانه‌ای که متعلق به تمام جوامع اسلامی و پیروان ابراهیم حنیف است، گرد هم می‌آیند و با کنار گذاردن تشخصها و رنگها و ملیتها و نژادها به سرزمین و خانه اولین خود رجعت می‌کنند و با مراعات اخلاق کریمه اسلامی و اجتناب از مجادلات و تعجمات، صفای اخوت اسلامی و دورنمای تشکل امت محمدی ﷺ را در سراسر جهان به نمایش می‌گذارند.

زائران محترم کشور ایران، ارزش دستاوردهای معنوی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران را در برخورد با سایر مسلمانان بهتر درک می‌کنند و با توجه و اطلاع از گرفتاریها و مشکلاتی که به اشکال مختلف بر ملت‌های اسلامی تحمیل شده است، به ابعاد عظمت انقلاب و عنایات خاصه حق تعالی و توجه امام زمان - ارواحنا فداه - به این ملت بیشتر پی می‌برند و قدر برکات این انقلاب را بیشتر از گذشته می‌دانند و از کار و تلاش مسئولین محترم و دولت خدمتگزار که شب و روز خود را وقف خدمت نموده‌اند، مطلع می‌گردند و از تحولی که در جوانان و اقشار دیگر ملت به وجود آمده است و آنان را به بهشت صلابت و عفت و حیا و شرافت و آزادی و جهاد رهنمون شده‌اند، خدا را سپاس می‌گزارند.

خداوند! این نعمتهای بزرگ را از ما و ملت ما نگیر. خداوند! ما را به ارزش برکات خود بیشتر آشنا فرما. خداوند! بر بندگی ما و خلوص ما و اظهار عجز و ذلت ما در برابر خودت بیفز. خداوند! به ما توکل و صبر و مقاومت و رضا و توفیق جلب عنایت خود کرامت فرما و در مسیر خدمت به بندگان ما را تا مرز قربانی خود و فرزندان و هستی‌مان همراهی و مدد بنما.

زائران محترم مبادا که از احساس رشد و عظمت انقلاب خود در برابر مسلمانان دیگر کشورها به غرور و عجب گرفتار شوند و خدای نخواستہ به اعمال و رفتار مسلمانان به دیده اهانت و تحقیر بنگرند و از همدلی و انس با دوستان خدا در مکه مکرمه محروم شوند و از شکر این نعم بزرگ الهی، که تواضع در برابر مسلمانان و مستضعفان و برادران

دینی است، غافل بمانند. در کنار خانه خدا و مرقد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیعتها و پیوندهای دوستی و ارتباط آینده را با مسلمانان محکم کنند و حدیث انقلاب و لطف خدا را به آنان بازگو نمایند. و از جانب من و همه ملت ایران به همه مسلمانان اطمینان بدهید که جمهوری اسلامی ایران پشتیبان شما و حامی مبارزات و برنامه‌های اسلامی شما است و در هر سنگری علیه متجاوزان در کنار شما ایستاده است و از حقوق گذشته و امروز و آینده شما ان شاء الله دفاع خواهد کرد و به آنان بگوید که اقتدار و اعتبار جمهوری اسلامی ایران متعلق به همه ملت‌های اسلامی است و دفاع از ملت قهرمان و دلاور ایران در حقیقت دفاع از همه ملت‌های تحت ستم است و ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی صلی الله علیه و آله است، به سیطره و سلطه و ظلم جهان‌نخواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی مصلح و کل و امامت مطلق حق امام زمان - ارواحنا فداه - هموار می‌کنیم.

و از نکاتی که حجاج محترم باید به آن توجه کنند، اینکه مکه معظمه و مشاهد مشرفه آینه حوادث بزرگ نهضت انبیا و اسلام و رسالت پیامبر اکرم است، جای، جای این سرزمین محل نزول و اجلال انبیای بزرگ و جبرئیل امین و یادآور رنج‌ها و مصیبت‌های چندین ساله‌ای است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در راه اسلام و بشریت متحمل شده‌اند و حضور در این مشاهد مشرفه و امکنه مقدسه و در نظر گرفتن شرایط سخت و طاقت‌فرسای بعثت پیامبر، ما را به مسئولیت و حفظ دستاوردهای این نهضت و رسالت الهی بیشتر آشنا می‌کند، که واقعاً پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام در چه غربت‌هایی برای دین حق و امحای باطل، استقامت و ایستادگی نموده‌اند و از تهمت‌ها و اهانت‌ها و زخم‌زبان‌های «ابولهب» و «ابوجهل»‌ها و «ابوسفیان»‌ها نهراسیدند و در عین حال شدیدترین محاصره‌های اقتصادی در شعب ابیطالب، به راه خود ادامه داده‌اند و تسلیم نشدند و سپس با تحمل هجرت‌ها و مرارت‌ها در مسیر دعوت حق و ابلاغ پیام خدا و حضور در جنگ‌های پیاپی و نابرابر و مبارزه با هزاران توطئه و کارشکنی‌ها به هدایت و رشد همت گماشته‌اند که دل صخره‌ها و سنگ‌ها و بیابان‌ها و کوه‌ها و کوچه‌ها و بازارهای مکه و مدینه پر است از هنگامه پیام

رسالت آنان که اگر آنها به زبان و سخن می آمدند و از راز و رمز تحقق ﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتُ﴾^۱ پرده برمی داشتند، زائران بیت الله الحرام در می یافتند رسول خدا برای هدایت ما و بهشتی شدن مسلمانان چه کشیده اند و مسئولیت پیروان او چقدر سنگین است. و ملت شهید داده ایران اگر چه در طول دوران مبارزه و جنگ و حوادث دیگر انقلاب مظلومیتها و سختیها و درد و رنجهای فراوان دیده است و جوانان و عزیزان گرانقدری را تقدیم راه خدا کرده است ولی یقیناً وسعت مظلومیتها و سختیهای که بر پیشوایان ما رفته است، به مراتب بالاتر از مسائل ما است. حجاج محترم سلام خالصانه ملت عزیز و مسئولین پر تلاش و خانواده های معظم شهدا و جانبازان و اسرا و مفقودین را به پیشگاه مقدس پیامبر رحمت ﷺ و اهل بیت هدی ﷺ ابلاغ کنید و ملتمسانه و عاجزانه از آنان تفقد و رحمت بیشتر برای این پیروان صادق خود خواسته و پیروزی ملت ما را در جنگ بر کفر جهانی از خدا بخواهند و از این فرصت مناسب در دعا کردن به همه مسلمانان و رفع گرفتاریها استفاده کنند.

خداوند! اگر هیچ کس نداند تو خود می دانی که ما برای برپایی پرچم دین تو قیام کرده ایم و برای برپایی عدل و داد در پیروی از رسول تو در مقابل شرق و غرب ایستاده ایم و در پیمودن این راه لحظه ای درنگ نمی کنیم. خداوند! تو می دانی که فرزندان این سرزمین در کنار پدران و مادران خود برای عزت دین تو به شهادت می رسند و بالی خندان و دلی پر از شوق و امید به جوار رحمت بی انتهای تو بال و پر می کشند. خداوند! تومی دانی که امت رسول تو در این مملکت مواجه با همه توطئه ها است و ایادی شیطان در داخل و خارج او را آرام نمی گذارند و تلاشها هر روز برای در تنگنا و مضیقه قرار دادن این ملت در امور اقتصاد فزونتر می شود.

خداوند! تو می دانی مردم ما مشکلات را به جان و دل خریده اند و از هیچ چیزی غیر تو ترس و بیم ندارند و تمام زجرها و دردها را تحمل می کنند، همه پیروزیها را از آن تو و به عنایت تو می دانند، پس ما را به عنایت دوباره خود همراهی نما و دلهای ملت ما را

۱. بخشی از آیه ۱۱۲ سوره هود: «همانگونه که امر شده ای استقامت کن».

به نصر و پیروزی خود امیدوارتر ساز و رزمندگان جبهه ما را به مدد غیبی و جنود مخفی خود غالب و پیروز گردان و توان و صبر و استقامت ما را در تحمل سختیها و مشکلات افزون نما و نعمت رضایت در شکست و پیروزی را به ما ارزانی فرما و دل مردم ما را که برای دین تو شهید و مفقود و مجروح و اسیر داده‌اند و سختی هجران عزیزان را به عشق لقا و رضای تو تحمل کرده‌اند، شادمان فرما و همه ما را در مسیر بندگی خود عاشق و درد آشنا فرما و شهیدان ما را از کوثر زلال ولایت خود و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام سیراب نما و انقلاب اسلامی ما را به انقلاب مصلح کل متصل فرما. «انک ولی النعم».

۱ ذی الحجة الحرام ۴۰۷

روح الله الموسوی الخمینی